



قتل پدر، شرط ازدواج با دختر

مرضیه همایونی: زن کینه‌جو در اقدامی عجیب از خواستگار دخترش خواست تا قبل از ازدواج، همسرش را به قتل برساند. اواخر اسفند سال گذشته برادر و خواهری به کلانتری مراجعه کرده و از ناپدید شدن برادرشان خبر دادند. مرد جوان در تحقیقات گفت: برادر ۴۰ ساله حدود دو ماه قبل به خاطر برخی مشکلات همراه همسر و دختر ۱۵ ساله‌اش به خانه پدری آمد و آنجا ساکن شد. روز ۲۱ اسفند برادر برای آوردن وسایل همسر و دخترش به خانه‌شان در پردیس رفت اما ناپدید شد. پس از آن چندین پیامک از تلفن همراهش برایشان ارسال کرد که می‌خواهد به ترکیه برود و از ما خواسته بود سند خودروی پدرش را بخرم تا بتوانم به نام همسرش، فرنگیس بزنم. اما به یکباره پیام‌ها نیز قطع شد و ما هم تصمیم به شکایت گرفتیم. با شکایت آنها، تحقیقات به دستور بازپرس محمدامین تقویان آغاز شد و آکببی از کارآگاهان اداره یازدهم پلیس آگاهی پایتخت وارد عمل شدند تا رد و سرخنی از مرد ناپدید شده به دست آورند.

ردپای همسر

در استعلامات صورت گرفته مشخص شد، مرد جوان به نام حمید، از کشور خارج نشده است و از طرفی در ادامه تحقیقات دریافته شد که فرنگیس با پسر ۲۰ ساله‌ای به نام پدرام مخفیانه در تماس است. بدین ترتیب زن ۳۵ ساله به صورت نامحسوس زیر نظر گرفته شد تا اینکه روز یکشنبه ۱۳ فروردین زن جوان راهی خانه‌اش در پردیس شد و همزمان کارآگاهان دریافته شد که پدرام نیز وارد خانه او شده است. زمانی که هر دو متهم وارد خانه شدند، مأموران ساعت ۴ بامداد ۱۳ فروردین، آنها را بازداشت کردند و در بازرسی بدنی از پدرام، اسلحه کلت کمری نیز کشف شد. فرنگیس و پسر ۲۰ ساله که در برابر مدارک و شواهد پلیسی قرار گرفتند به قتل حمید اعتراف کرده و مدعی شدند که او را در

بیابان‌های اطراف مهرآباد در جاده دماوند دفن کرده‌اند. بنابراین سرهنگ کارآگاه علی ولیپور گودرزی، رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ و کارآگاهان اداره یازدهم پلیس آگاهی پایتخت به دستور بازپرس جنایی، راهی محل دفن جسد شدند و دو متهم نیز به اتهام مشارکت در قتل در اختیار کارآگاهان اداره آگاهی قرار داده شدند.

گفت‌وگو با همسر مقتول

زن جوان مدعی است که از حدود ۳۰ سال قبل وقتی یک کودک بوده او را به عنوان همسر پسر عمویش نام زدند و وقتی ۱۳ ساله شد آنها را به عقد هم درآوردند و همین موضوع کینه بزرگی در دل او به وجود آورد. **با پدرام چطور آشنا شدی؟** پدرام خواستگار دخترم بود، در پارک با دخترم که الان ۱۵ ساله

است آشنا شده و قصد ازدواج داشتند. من که از این ماجرا با خبر شدم، برای ازدواج آنها یک شرط گذاشتم. **چه شرطی؟** گفتم شوهرم را بکشد. او هم چون عاشق دخترم بود قبول کرد. **چرا از شوهرت کینه به دل داشتی؟** از کودکی مجبورم کردند با او ازدواج کنم ولی من او را دوست نداشتم.

روز حادثه چه اتفاقی رخ داد؟ از قبل با پدرام هماهنگ بودیم و به بهانه اینکه یک سری وسایل می‌خواهم، همسرم را راهی خانه کردم. پدرام در طبقه دوم ساختمان منتظر حمید بود و زمانی که او وارد خانه شده بود، با اسپری به او حمله کرد و بعد هم با روسری شوهرم را خفه کرد. فردای آن روز به پردیس رفتم و



کرده و جسد را دفن کردیم. من راهی تهران شدم و پدرام خودرو را در همان حوالی رها کرد.

چرا پدرام اسلحه داشت؟

برادرشوهرها و خواهر شوهرهایم پیگیر ناپدید شدن حمید بودند. پدرام به استان‌های غربی کشور رفت و اسلحه‌ای تهیه کرد تا آنها را هم به قتل برساند. می‌گفت اگر آنها زنده باشند، راز این جنایت خیلی زود برملا می‌شود.

با همدستی پدرام جسد را داخل ماشین گذاشته و در بیابان‌های دماوند، چاله‌ای دو متری حفر

گذشت از قصاص پس از ۶ سال

پسر جوانی که هنگام تیراندازی در یک مراسم ازدواج با شلیک اشتباهی باعث مرگ یکی از میهمانان شده بود، پس از ۶ سال با رضایت بی‌قید و شرط خانواده مقتول از چوبه دار رهایی یافت.

به گزارش اختصاصی خبرنگار «ایران» از مسجدسلیمان، این پسر جوان که فرزند نام دارد ۶ سال قبل در مراسم جشن عقدکنان یکی از بستگانش طبق رسم سنتی هنگام تیراندازی با اسلحه شکاری باعث مرگ مردی ۳۴ ساله به نام صیاد شمس شده بود. پس از این حادثه، پسر جوان دستگیر و با محاکمه در شعبه چهارم دادگاه ویژه نوجوانان و جوانان استان خوزستان شعبه ۲۱ سابق، به قصاص نفس محکوم شد. سید علیرضا احمدپوری دبیر جمعیت صلح و سازش شهرستان مسجدسلیمان در تشریح این خبر به «ایران» گفت: به دنبال این اتفاق ناگوار اعضای جمعیت صلح و سازش جلساتی با خانواده مقتول برگزار کردند و در نهایت پدر و مادر مقتول از خون پسر جوان خود گذشتند و با اعلام رضایت پسر زندانی را که به یک‌قدمی چوبه دار رسیده بود از مرگ نجات دادند. زینب ارژنگ مادر مقتول نیز با بیان اینکه در همه حال مطیع فرمایشات بزرگان دین هستیم، گفت: با توجه به فرمایش حضرت علی(ع) لذتی که در عفو هست در انتقام نیست، من و همسرم نیز بدون هیچ چشمداشتی به توصیه ریش سفیدان بختیاری احترام گذاشتیم و با اعلام رضایت، از اعدام این جوان گذشت کردیم.

زن تبهکار، سردسته باند آدم ربایی و سرقت بود

زن جوان که با تشکیل یک باند آدم ربایی از اتباع بیگانه اخذی و سرقت می‌کرد با اعضای گروهش دستگیر شد. حجت‌الاسلام والمسلمین حسن غریب دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان قم در تشریح این پرونده گفت: اعضای یک باند ۸ نفره گروگانگیری و آدم ربایی که سردسته آنها یک زن بود اقدام به ۶ فقره آدم ربایی، گروگانگیری و سرقت اموال اتباع افغانستانی کرده بودند. این متهمان طعمه‌های خود را از طریق فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی اغلب در شبکه اجتماعی فیس‌بوک انتخاب کرده و با اتباعی که قصد تهیه ویزا برای کشورهای خارجی داشتند آشنا شده و با وعده اخذ ویزا برای کشورهای دیگر پس از جلب اعتماد، به بهانه انجام امور اداری و اسکان چند روزه متقاضیان ویزا، با آنان قرار ملاقات گذاشته و در این ملاقات اقدام به آدم ربایی و سرقت اموال آنان می‌کردند.

متهمان با بستن دستان و چشمان گروگان‌ها و توسل به زور و ضرب و جرح و آزار و اذیت گروگان‌ها از آنها اخذی و اقدام به سرقت اموال آنان می‌کردند سپس گروگان‌ها را به مخفیگاه خود در اطراف شهر قم می‌بردند و از آنها فیلم گرفته و خانواده آنها را در قبال پرداخت پول تهدید می‌کردند. وی با اشاره به اینکه متهم اصلی و سردسته این باند، یک خانم بوده است، گفت: با رصد فنی و حرفه‌ای پلیس آگاهی و دستورات قضایی و پیگیری‌های شعبه ۱۳ بازپرسی استان سرعت گروگان‌ها آزاد و تمامی متهمان بازداشت شدند و برای آنها پرونده قضایی تشکیل شد. وی مشارکت در آدم ربایی، سرقت مقرون به آزار، حبس غیرقانونی و تحصیل مال از طریق نامشروع را از جرایم متهمان این باند عنوان کرد و گفت: مدارک هویتی، دلار، ارز دیجیتال، طلا و زیورآلات و ساعت مچی، گوشی تلفن همراه و لوازم جانبی آن، البسه و وسایل شخصی از مواردی است که در این آدم ربایی از گروگان‌ها با توسل به زور و آزار ربوده شده است.

حوادث جهان

دعای آتشین دو مسافر قطار

درگیری ۲ مسافر قطار در هند با آتش‌سوزی و سوختن ۸ مسافر پایان یافت. مقامات پلیس ایالت «کرالا» هند اعلام کردند: شامگاه یکشنبه، مردی داخل یک قطار سریع‌السیار با مسافر دیگری به مشاجره پرداخت اما ناگهان با ریختن بنزین روی او و کشیدن کبریت مرد مسافر را به آتش کشید. در این حادثه ۸ نفر از سرنشینان یکی از واگن‌ها دچار سوختگی شدند. به گزارش ایندیا تودی، پلیس می‌گوید که این حمله، احتمالاً از پیش برنامه‌ریزی شده بود. همچنین گزارش‌ها حاکیست که مظنون این حادثه موفق به فرار شده و تاکنون شناسایی نشده است. در همین حال سه جسد از جمله جسد یک کودک هم در مسیر راه‌آهن در فاصله ۱۰۰ متری محل وقوع حادثه پیدا شد که هر سه اعضای یک خانواده هستند. پلیس احتمال می‌دهد این سه نفر پس از حادثه آتش‌سوزی از قطار بیرون پریده باشند. مصدومان این حادثه به بیمارستان منتقل شده‌اند و این قطار نیز توانسته پس از بازرسی‌های اولیه در زمان حادثه، به راه خود ادامه دهد.

قصاص، مجازات قاتلی که جسد را مومیایی کرده

دستگیری

ضاربان روحانی آمر به معروف

عاملان حمله و ضرب و شتم طلبه آمر به معروف در چهارسرای رشت از سوی پلیس دستگیر شدند. روز نهم فروردین یک روحانی آمر به معروف و ناهی از منکر به دنبال تذکر به کشف حجاب یک خانم در محله چهارسرای رشت، با چاقو مورد حمله تعدادی از ارادل و اوپاش قرار گرفته و به بیمارستان منتقل شد. سردار عزیزالله ملکی، فرمانده انتظامی استان گیلان در تشریح این خبر گفت: تعدادی از ارادل و اوپاش به یک طلبه روحانی آمر به معروف و ناهی از منکر در منطقه چهارسرای رشت حمله کردند و با چاقوکنشی منجر به جراحت وی از ناحیه کمر شدند. با اعلام موضوع به پلیس، بلافاصله شناسایی و دستگیری عاملان حمله به وی در دستور کار پلیس قرار گرفت. وی با تأکید بر لزوم احیای امر به معروف و نهی از منکر و حمایت همه‌جانبه پلیس از این فریضه الهی افزود: پس از انجام یک سری اقدامات فنی و با اشرافیت پلیس، سرانجام هر چهار نفر از عاملان ایراد ضرب و جرح و حمله به آمر به معروف شناسایی و پس از هماهنگی قضایی در یک عملیات غافلگیرانه در مخفیگاه خود دستگیر شدند و برای بررسی بیشتر و تکمیل پرونده در اختیار پلیس هستند.



به بیمارستان نرساند تا فوت کند. در ادامه متهم به جایگاه رفت و با پذیرش اتهام قتل عنوان کرد: ۳۰ سال پیش از پاکستان به ایران آمدم من در کودکی پدر و مادرم را از دست دادم و از همان کودکی کار کردم و زحمت کشیدم وقتی با مقتول آشنا شدم قرار شد با هم کار کنیم. آن روز من قصد کشتنش را نداشتم و در یک لحظه آنقدر عصبانی شدم که متوجه اعمالم نبودم. حالا هم خیلی پشیمانم و از فرزندان مقتول می‌خواهم تا من را ببخشند. پس از آن قاضی از متهم پرسید اگر نمی‌خواستی او را بکشی و در یک لحظه کنترلت را از دست دادی چرا بعد از اینکه به خودت آمدی سعی نکردی او را به بیمارستان برسانی؟ چرا او را مومیایی کردی؟ متهم جواب داد: وقتی به خودم آمدم دیدم نفس نمی‌کشد خیلی ترسیده بودم برای اینکه آثار جنایت را از بین ببرم با فوم، پارچه و ابرهایی که برای میل‌سازی استفاده می‌شود او را بسته‌بندی کردم تا در زمان دیگری دفنش کنم اما مأموران دستگیرم کردند. پس از اظهارات متهم و وکیلش قضات برای صدور رأی وارد شور شدند و متهم را با توجه به اسناد و مدرک‌های موجود در پرونده به قصاص محکوم کردند.

افضل از دو سال قبل با هم آشنا شدیم و در کارگاه میل‌سازی که متعلق به همسرش بود کارمان را آغاز کردیم. من کارم تعمیر میل بود و او میل‌ساز. روز حادثه او میل‌هایی که ساخته بود را به داخل کارگاه آورد و میل‌های تعمیری در بالکن بود. اما به یکباره هوا ابری شد و من از بابت خیس شدن میل‌های تعمیری نگران شدم و از او خواستم تا اجازه بدهد میل‌ها را به داخل کارگاه بیاورم اما افضل اجازه نداد و سر همین موضوع با هم درگیر شدیم و او چند سیلی به صورتم زد و من به یک‌باره عصبانی شدم و با میله آهنی چند ضربه به سرش زدم و تا به خودم آمدم دیدم او دیگر نفس نمی‌کشد.

در دادگاه چه گذشت

با تکمیل تحقیقات پرونده برای رسیدگی به شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. در ابتدای جلسه رسیدگی به این پرونده دختر و پسر مقتول به عنوان تنها اولیای دم قربانی درخواست قصاص کردند و پس از آن هم پسر مقتول به جایگاه رفت و گفت: این مرد در حالی پدرم را کشت که با هم دوست بودیم. او بعد از اینکه با میله آهنی ضرباتی را به سر پدرم زد حتی او را

کارمان علمدهی - کارگر میل‌سازی که پس از قتل همکارش جسد وی را با فوم و پارچه مومیایی کرده بود از سوی قضات شعبه پنجم دادگاه کیفری یک استان تهران به قصاص محکوم شد. آخرین روز بهمن سال ۱۴۰۰ زنی در تماس با مأموران کلانتری باغ فیض مدعی شد شاهد صحنه قتلی بوده است. وی در تشریح ماجرا به مأموران گفت: ساعت ۱۲ ظهر به‌طور اتفاقی از پشت پنجره اتاق خانم متوجه شدم در حیاط ساختمان کناری که یک کارگاه میل‌سازی است مردی یک جسد شبیه مومیایی را روی زمین می‌کشد و به زیرزمین می‌برد. من هم با تلفن همراهم چند عکس از او گرفتم.

کشف جسد بسته‌بندی شده

پس از این گزارش و مشاهده عکس‌ها از سوی پلیس، مأموران به محل اعلام شده در یکی از خیابان‌های اشرقی اصفهانی رفتند و با حکم قضایی وارد کارگاه شدند. پس از جست‌وجو جسد مومیایی شده مرد جوانی را پیدا کردند و متهم که از اتباع بیگانه بود در محل جنایت بازداشت شد. وی پس از دستگیری در همان بازجویی‌های اولیه به قتل اعتراف کرد و گفت: من و